



Jurisprudential and Legal Review of the Principle of Acquittal in Security and Safety Crimes

Ali Mohammad Aghaei¹, Farajollah Barati*², Seyed Hesamoldin Hosseini³

1. PhD Student, Department of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law's Basics, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 227-239

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-4297-5511

TELL: +986133348357

Email: farajolah.barati@yahoo.com

Article history:

Received: 31 May 2021

Revised: 08 Aug 2021

Accepted: 05 Oct 2021

Published online: 20 Feb 2022

Keywords:

The Principle of Innocence, Evidence of Criminality, Safety and Security Crimes, Accused.

ABSTRACT

The principle of acquittal in criminal law plays a fundamental role in defending the rights of the accused, but the absolute nature of the said principle in the face of some crimes such as disciplinary and security crimes is one of the important challenges that is the subject of debate. The purpose of this article is to examine this important question, what is the status of the principle of innocence in security and law enforcement crimes from a jurisprudential and legal point of view? The findings indicate that despite all the interpretations of the original principle of innocence, it is not absolute and unconditional, despite the application of the principle of innocence in criminal matters and its ruling over other principles and rules of criminal law, in certain cases, the application of this principle is avoided. The basis of deviation from the principle of innocence in many cases is the same basis that justifies the rule of the principle of innocence in criminal matters. In this way, the principle of acquittal towards the accused is distorted, and as a result, despite the lack of conclusive evidence, the judge resorts to exceptional methods of proceedings, including obvious cases of resorting to exceptional methods of proceedings in Islamic criminal law can be found in the cases of law and order and public security. As a result, the evidence of guilt takes precedence over the principle of innocence.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Aghaei, AM; Barati, F & Hosseini, SH (2022). "Jurisprudential and Legal Review of the Principle of Acquittal in Security and Safety Crimes". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(5): 227-239.



انجمن علمی فقه‌جرای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌جرای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌جرای تطبیقی

دوره اول، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۰

بررسی فقهی و حقوقی اصل براءت در جرایم امنیتی و انتظامی

علی محمد آقایی^۱، فرج‌الله براتی^{۲*}، سیدحسام‌الدین حسینی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

چکیده

اصل براءت در حقوق کیفری برای دفاع از حقوق متهم نقشی اساسی دارد، اما مطلق بودن اصل مذکور در مواجهه با برخی جرایم مانند جرایم انتظامی و امنیتی از چالش‌های مهمی است که محل بحث و نظر است. هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال مهم است که وضعیت اصل براءت در جرایم امنیتی و انتظامی از منظر فقهی و حقوقی چگونه بوده و الزامات اصل براءت در جرایم انتظامی و امنیتی چیست؟ یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که باوجود تمام تفاسیر، اصل براءت اصلی مطلق و بدون قید و شرط نیست و به‌رغم اعمال اصل براءت در امور کیفری و حاکم‌بودن آن بر دیگر اصول و قواعد حقوق جزا، در موارد خاص از اعمال این اصل عدول می‌شود. در چنین مواردی درحالی‌که در صورت ورود اتهام اصل بر براءت بوده و این مقام تعقیب‌کننده است که باید ارکان مادی و معنوی جرم را اثبات کند و متهم مکلف به اثبات بی‌گناهی خویش نیست، وظیفه ارائه دلیل جابه‌جاشده بر دوش متهم قرار می‌گیرد. مبنای عدول از اصل براءت در بسیاری از موارد همان مبنایی است که حاکمیت اصل براءت در امور کیفری را توجیه می‌کند. به این ترتیب اصل براءت نسبت به متهم مخدوش شده و در نتیجه به‌رغم عدم وجود دلیل قاطع قاضی به روش‌های استثنائی دادرسی متوسل می‌شود، از جمله موارد بارز توسل به روش استثنائی دادرسی در حقوق کیفری اسلام را در موارد جرایم علیه نظم و امنیت عمومی می‌توان یافت که در نتیجه آن اماره مجرمیت بر اصل براءت مقدم می‌گردد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۲۷-۲۳۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکاید: ۵۵۱۱-۴۲۹۷-۰۰۳-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۶۱۳۳۳۴۸۳۵۷

ایمیل: farajolah.barati@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

اصل براءت، اماره مجرمیت، جرایم انتظامی و امنیتی، متهم.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

یکی از نیازهای اولیه زندگی همراه با آرامش و آسایش وجود امنیت روانی و فکری در جوامع می‌باشد که لازمه آن ثبات و امنیت در کشور است، لذا از دیرباز این مقوله مورد توجه همگان به‌خصوص حاکمان و صاحبان قدرت در جامعه بوده و تمامی آن‌ها برای برقراری آن تلاش نموده‌اند. سابقه توجه آنان به این موضوع بیشتر از توجه آنان به حقوق افراد و اشخاص و یا حقوق خصوصی بوده و جرم‌انگاری جرایم علیه امنیت، مقدم بر سایر جرم‌انگاری‌ها بوده است (واعظی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۶۵). جرایم علیه امنیت عبارت است از ارتکاب اعمال مجرمانه که به قصد برهم‌زدن امنیت و اخلال در نظم عمومی و یا به قصد صدمه‌زدن به حیات حکومت اسلامی و ساقط‌کردن آن صورت می‌گیرد و آسایش عمومی زمانی تأمین خواهد شد که شئون مختلف زندگی اجتماعی در محدوده قوانین کیفری قرار گیرد و مورد حمایت قانون‌گذار واقع شود (شامبیاتی، ۱۳۹۷: ۱۲۳). جرایم علیه امنیت به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم می‌شود (جزایری، ۱۳۹۴: ۳۱). در صورت نخست، یعنی اقدام علیه امنیت خارجی کشور می‌توان شاهد اعمال مجرمانه افراد یا سازمان‌هایی بود که به‌صورت مسلح یا بدون سلاح دست به اقداماتی می‌زنند که لطمات آن رأساً متوجه استقلال، تمامیت ارضی و منافع و مصالح کشور می‌شود و گاه به عزت و اعتبار و شئون کشور نیز در خارج و در محافل بین‌المللی خدشه واقع می‌شود. جرایم اقدام علیه امنیت خارجی کشور به‌طریق خیانت به کشور، جاسوسی یا ترور انجام می‌پذیرد. جرایم علیه امنیت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جرایم مورد توجه خاص حکام بوده و به‌علت جایگاه ویژه امنیت از طرفی و پایداری نظام‌ها از طرف دیگر برخی اوقات نگاه سخت‌گیرانه‌ای به آن شده و در برخی موارد، برخی اصول در آن نادیده گرفته شده است. حفظ امنیت کشور یکی از اهداف مهم همه نظام‌های سیاسی است. یکی از اهداف حقوق تأمین امنیت است قوانین وضع می‌شوند تا امنیت جامعه را حفظ کنند و در این میان امنیت کشور بسیار اهمیت دارد. یکی از حقوق دفاعی متهم که ممکن است تحت تأثیر جرایم امنیت‌محور نادیده گرفته شود، اصل براءت است. اصل براءت در حقوق جزا به این معنی است که

باید متهم را بی‌گناه دانست، مگر این‌که با رسیدگی صحیح و عادلانه جرم متهم در یک مرجع صالح و قانونی ثابت شود. این اصل یکی از اصول بنیادین حقوق جزا است که به دفاع از اولین و مهم‌ترین حقوق دفاعی متهم می‌پردازد. در فقه و حقوق کیفری ایران نیز اصل براءت پذیرفته شده است. آثار اعمال اصل براءت در قوانین عادی و به‌ویژه آیین دادرسی کیفری در موارد مختلفی مشهود است. این آثار حقوقی برای متهم پدید می‌آورد که از جمله این موارد می‌توان به تکلیف مقام تعقیب به تحصیل دلیل ممنوعیت اجبار متهم به اقرار علیه خود ضرورت اعطای فرصت برای دفاع، ضرورت تدوین مقررات برای دادرسی عادلانه تفسیر شک به نفع متهم و حق سکوت متهم اشاره کرد. اصل براءت اما ممکن است تحت تأثیر برخی جرایم مانند جرایم علیه نظم و امنیت کشور محدود شود. همین مسأله دست‌مایه نگارش مقاله حاضر شده است. نوآوری مقاله حاضر بررسی این سؤال مهم است که اصل براءت از منظر فقهی و حقوقی تا چه اندازه تحت تأثیر جرایم امنیتی و انتظامی است؟ الزامات اصل براءت در جرایم انتظامی و امنیتی چیست؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا مستندات فقهی و قانونی اصل براءت بررسی شده و در رابطه علم قاضی با اماره مجرمیت و ضرورت‌های اصل براءت در جرایم امنیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- اصل براءت

در این قسمت، مستندات فقهی اصل براءت، تفاوت اصل براءت از جنبه فقهی و قانونی، مصادیق عدول از اصل براءت در برخی جرایم امنیتی و رابطه علم قاضی با اماره مجرمیت مورد بررسی می‌گیرد.

۱-۱- مستندات فقهی اصل براءت

موضوع اصل براءت در فقه اسلامی شک در تکلیف می‌باشد، بدون این‌که حالت سابقه‌ای برای آن تکلیف وجود داشته باشد و حکمی که در این زمینه جاری می‌گردد، براءت نام دارد. حال چنانچه این اصل با شرایط خود اعمال گردد، هیچ‌گونه عقابی برای مکلف نخواهد بود، ولو این‌که بعداً ثابت شود که در این زمینه حکمی برخلاف وجود دارد، بنابراین اثر مترتب بر این اصل نفی عقاب و نفی تکلیف است و مکلف نسبت به

مصادیق اصل برائت در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (علاوه بر ماده ۴ این قانون که صراحتاً اصل برائت را مورد حمایت قرار می‌دهد) شامل مواد زیر می‌باشد:

برابر ماده ۵ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲: «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.» ماده ۶ این قانون مقرر می‌دارد: «متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.» همچنین وفق ماده ۷ قانون مزبور در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است.

مواردی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مبین پذیرش اصل برائت می‌باشد، از جمله این موارد:

۱- یکی از طرق اثبات جرم شهادت شهود می‌باشد که با شرایطی می‌تواند مثبت جرم باشد و از آنجا که این مدعی است که باید بر ادعای خویش دایر بر مجرمیت متهم شاهد بیاورد، این خود دلیلی بر پذیرش اصل برائت می‌باشد.

۲- براساس ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی: «نصاب شهادت در کلیه جرایم، دو شاهد مرد است، مگر در زنا، لواط، تفریح و مساحفه که با چهار شاهد مرد اثبات می‌گردد. برای اثبات زنا، موجب حد جلد، تراشیدن و یا تبعید، شهادت دو مرد و چهار زن عادل نیز کافی است. زمانی که مجازات غیر از موارد مذکور است، حداقل شهادت سه مرد و دو زن عادل لازم است. در این مورد هرگاه دو مرد و چهار زن عادل به آن شهادت دهند، تنها حد شلاق، ثابت می‌شود. جنایات موجب دیه با شهادت یک شاهد مرد و دو شاهد زن نیز قابل اثبات است» و همچنین مطابق ماده ۲۰۰: «در خصوص شهادت بر زنا یا لواط، شاهد باید حضوری عملی را که زنا یا لواط با آن محقق می‌شود، دیده باشد و هرگاه شهادت مستند به مشاهده نباشد و همچنین در صورتی که شهود به عدد لازم نرسند شهادت در خصوص زنا یا لواط، قذف محسوب می‌شود و موجب حد است.» بنابراین می‌توان گفت که در این

انجام مشکوک مجاز خواهد بود (مشکینی اردبیلی، ۱۳۹۶: ۱۹۷). مباحث فقهی به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- معاملات؛ ۲- عبادات. معامله عملی است که انجام آن محتاج به قصد قربت نباشد و عبادت عملی است که انجام‌دادن آن محتاج به قصد قربت باشد و اصل برائت فقهی هم در عبادات و هم در معاملات وجود دارد (مشکینی، ۱۳۷۱: ۴۹). در عبادات تحت عنوان برائت از تکلیف است، یعنی اگر مکلف شک کند که تکلیفی دارد یا ندارد، اصل بر این است که مبرا از تکلیف است و در معاملات تحت عنوان برائت از ذمه است، یعنی اگر کسی شک کند ذمه‌اش مشغول است یا نه، اصل بر این است که مبرا از ذمه است. مجازات‌ها یکی دیگر از بخش‌های معاملات می‌باشند، اگرچه اصل برائت فقهی در معاملات وجود دارد، اما اصل برائت فقهی در مجازات‌های فقهی وجود ندارد، بلکه قاعده‌های دیگری در مجازات‌های فقهی وجود دارد که اگر شک و شبهه در ایجاد مجازات شد، باید به آن قاعده رجوع کرد و آن قاعده درآه است (آخوند خراسانی، ۱۴۱۸: ۳۲۸). بنابراین اگر شک و شبهه ایجاد گردد که مجازات به فرد تعلق گرفته است یا خیر، این شک و شبهه باعث دفع مجازات می‌گردد (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۸۸). به نظر می‌رسد در حوزه کیفری در فقه باید از قاعده درآه بحث نمود و فقها به جای اصل برائت در بخش جزایی این قاعده را به کار برده‌اند.

۱-۲- مستندات قانونی اصل برائت

به موجب اصل ۳۷ قانون اساسی که به اصل برائت حاکمیت بخشیده است، هر انسانی بی‌گناه فرض می‌شود تا این که جرمش در یک دادگاه صالح قانونی به اثبات برسد. پس این نکته را می‌توان دریافت که قانون اساسی ما بدون هیچ قید و شرطی اصل فوق را پذیرفته است (شاملو، ۱۳۸۲: ۲۷۲). اصل ۳۷ که حقوق شهروندان و و ملت را محترم می‌شمارد، در برابر حاکمیت و نهادها و ارگان‌های ذی‌نفوذ قرار گرفته است و با پاسداشت آن موجب اطمینان شهروندان به آن‌ها شده و رابطه انسانی متقابل (مردم) حکومت را تحکیم می‌بخشد. اصل فوق بر این امر تأکید دارد که تنها در صورت شناخت و اثبات جرم در دادگاه صالح قانونی است که فرد متهم، مجرم شناخته شده و قابل مجازات است (لطفی خاجکی، ۱۳۷۹: ۹۸).

قسمت از قانون مجازات اسلامی اصل براءت پذیرفته شده است.

طبق ماده ۷۸۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «هریک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی دولتی برای این که متهمی را مجبور به اقرار کند، او را اذیت و آزار بدنی نماید، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند، مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت.» این ماده نشان‌دهنده اصل براءت است، چون اگر بگوییم اماره مجرمیت در بخش تعزیرات مورد قبول است، دیگر نیازی به گرفتن اقرار وجود ندارد و اصولاً اقرار را باید از عداد ادله مثبتته جرایم حذف نمود، زیرا سکوت متهم قطعاً منجر به محکومیت وی خواهد شد.

لیکن در اصل براءت است که اقرار معنای خویش را در این مفهوم باز می‌یابد، زیرا با اقرار فرد مجرمیت وی ثابت می‌شود. در غیر این صورت با فقدان ادله دیگر کماکان در سنگر اصل براءت باقی می‌ماند.

همان‌طور که می‌دانیم مدعی باید ادعای خویش را به اثبات برساند و در اینجا مدعی فردی است که برخلاف قانون حبس شده است و ضابطین دادگستری منکر ادعای او می‌باشند. رعایت اصل براءت ایجاب می‌کند مدعی، دعوی خود را با ادله قاطع به اثبات برساند، لیکن از آنجا که فرد بازداشت‌شده اصولاً توانایی چنین کاری را ندارد و در وضعیتی نابرابر با ضابطین دادگستری قرار دارد، قانون‌گذار به‌درستی اصل براءت را با اماره مجرمیت جابه‌جا نموده است و بار اثبات دعوی را برعهده متهمین قرار داده است.

۱-۳- تفاوت اصل براءت از جنبه فقهی و قانونی

اصل براءت مورد بحث در فقه اسلامی با آنچه که در قانون مطرح است، متفاوت می‌باشد، یعنی براءت از منظر اسلامی بدین معنی است که هرگاه در حکم حرمت یا جواز موضوعی شک کردیم، می‌گوییم چون شارع اجازه ترک احتیاط داده است، بنابراین مشکوک به برای ما مباح خواهد بود، مثلاً

هرگاه شک در حرمت مصرف دخانیات داشتیم که آیا از نظر شرعی حلال است یا حرام، می‌گوییم اصل براءت است و در صورت مصرف دخانیات فعل حرامی مرتکب نشده‌ایم، لذا مصرف آن برای ما مباح خواهد بود و هیچ‌گونه عقابی برای مرتکب آن نخواهد بود (محمدی، ۱۳۸۲: ۶۹). مبنای حجیت براءت فقهی مجموعه‌ای است از آیات قرآن، سنت، اجماع فقها و حکم عقل می‌باشد.

در مقابل، موضوع براءت مورد بحث در حقوق، شک در تکلیف نیست، بلکه بدین معنی است که اصل مجرمیت متهم را نپذیرفته‌ایم، بلکه در برخورد اولیه با متهم وی را فردی بی‌گناه می‌دانیم و جز در موردی که دلیل قاطع بر مجرمیت متهم وجود داشته باشد، او را تبرئه می‌نماییم. به نظر می‌رسد اگرچه مفهوم اصل براءت در فقه و حقوق متفاوت می‌باشد، لکن می‌توان حکم اصل هر دو را یکی بدانیم، یعنی از عموم مفهوم اصل براءت فقهی را به براءت قانونی سرایت داده و مفهوماً از براءت فقهی می‌توان مفهوم براءت قانونی را نیز استفاده کرد. باتوجه به معنی‌ای که از اصل براءت ذکر نمودیم، آثار و نتایج آن متفاوت خواهد بود.

۱-۴- مصادیق عدول جرایم امنیتی از اصل براءت

اصل بر بی‌گناهی افراد است، مگر این که خلاف آن ثابت شود. اثبات ارکان جرم برعهده مدعی‌العموم یا دادستان است و اوست که باید ارکان جرم را اعم از قانونی، مادی و معنوی و رای هرگونه شبهه و تردید اثبات کند. در قلمرو جرایم علیه امنیت و در ماده ۴۹۹ ق.م.ا. قانون‌گذار صراحتاً در عنصر معنوی جرم، اصل را بر مجرمیت متهم قرار داده، مگر این که وی با اثبات بی‌اطلاعی از اهداف گروه بی‌گناهی خود را ثابت نماید. مطابق ماده ۴۹۹ قانون مجازات بخش تعزیرات: «هرکس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده ۴۹۸ عضویت یابد، به سه‌ماه تا پنج‌سال حبس محکوم می‌گردد، مگر این که ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است.» در ماده ۴۹۸ از اصل مادی بودن جرم عدول شده است. مقصود از مادی بودن جرایم این می‌باشد که باید برای تحقق یک جرم، مرتکب ضرری را وارد آورده جرم (تام) یا لاقلاً اعمالی انجام دهد که مستقیماً به ضرر منتهی شود (شروع به جرم) (یوسف‌لو و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۶-۵۱)، اما در

ماده مورد اشاره، جرم‌انگاری صرفاً در مرحله قصد مجرمانه‌ای است که برای تحقق آن هیچ اقدام عملی را انجام نداده است. مورد دیگر مرتبط با اصل برائت، درخصوص یکی از آثار آن است. بی‌گناهی متهم مقتضی آن است که بتواند از خود دفاع نماید و دفاع ممکن است مستلزم استفاده از وکیل مدافع باشد. تبصره ماده ۴۸ ق.آ.د.ک اصلاحی ۱۳۹۳ صراحتاً اشعار می‌دارد در جرایم علیه امنیت تعیین وکیل از میان وکلای مورد تأیید رییس قوه قضاییه است.

به سبب اهمیت امنیت داخلی و خارجی کشورها، معمولاً در صورت وجود ظن قوی به ارتکاب جرم از سوی متهم در جرایم علیه امنیت، اصل برائت نادیده گرفته می‌شود. مطابق ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی: «هرکس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده ۴۹۸ عضویت یابد، به سه‌ماه تا پنج‌سال حبس محکوم می‌گردد، مگر این که ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است.» طبق ماده مذکور، اصل بر آن است که متهم از اهداف جمعیت یا دسته اطلاع داشته و اثبات خلاف آن برعهده متهم است.

بر اساس اصل برائت، اصل بر بی‌گناهی می‌باشد و متهم نباید برای بی‌گناهی خود دلیل آورد و دادستان یا شاکی است که باید برای مجرمیت وی دلیل آورد، در مورد جرایم امنیتی این اصل در صورت وجود برخی از قرینه‌ها و دلایل کم‌رنگ و متهم بایستی با تغییر بار اثباتی که واقع شده، بر بی‌گناهی خود دلیل آورد. بر طبق اصل برائت از منظر فقها، اشخاص نسبت به دیگران متعهد یا مدیون نمی‌باشند، مگر این که خلاف آن با دلیل محکمه پسندی اثبات شود (آخوند خراسانی، ۱۴۱۸: ۳۲۸/۱؛ انصاری، ۱۴۱۹: ۲۶۳/۲؛ عراقی، ۱۴۱۱: ۳۳؛ میرزای نائینی، ۱۳۷۶: ۳۳۳). قانون‌گذار در ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی، به تأسیس این اصل حقوقی پرداخته است. در فرآیند دادرسی کیفری، وقتی دولت مرجع تأمین امنیت شناخته شود، امکان دارد به بهانه تأمین امنیت و حفظ آسایش عمومی قواعد دادرسی منصفانه و حقوق متهمین را نادیده بگیرد. این نکته کاملاً در مورد جرایم تروریستی صادق است و دولت‌ها برای تأمین امنیت خود، بسیاری از حقوق متهمین را نقض می‌کنند. مهم‌ترین این

«از جمله مواردی که تعرض به امنیت و آزادی محسوب می‌گردد، انتساب اتهام به افراد است. زدن برچسب کیفری می‌تواند اعتبار، حیثیت و امنیت روحی و روانی افراد را بر هم بزند، بنابراین اصل برائت یا فرض بی‌گناهی متهم در رعایت حقوق فردی و اجتماعی افراد و یا احساس امنیت از اهمیت به‌سزایی برخوردار می‌باشد» (شاملو، ۱۳۸۸: ۲۶۲).

۱-۵- رابطه علم قاضی با اماره مجرمیت

علم قاضی به‌عنوان یکی از ادله اثبات دعوا در امور کیفری و مدنی به‌خصوص در مواردی که آن موضوع قابل اثبات توسط دیگر ادله اثبات دعوا، نیست راهگشای قاضی است. همچنین از آنجا که دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران سیستم اقناع وجدانی را پذیرفته است، علم و اقناع قاضی پشتوانه و ملاک اعتبار ادله اثبات دعوا قرار گرفته است. بدین معنا که اقرار، شهادت، سوگند و ... در صورتی مستند حکم قرار می‌گیرد که موجب اقناع وجدان قاضی گردد. فقها در علم قاضی بین امور کیفری و مدنی تفصیل قائل نشده‌اند. اکثر فقهای امامیه (طباطبایی، ۱۴۱۸: ۵۷؛ نجفی، ۱۹۸۱: ۸۸)، علم قاضی را به‌نحو مطلق حجت دانسته‌اند، ولی در مقابل فقهای اهل سنت استناد قاضی به علم خود را مخالف سیره پیامر و

قانون باشد و بدون اعطای حق اثبات خلاف شرایطی که امارات مجرمیت برای متهم فراهم کرده است، قاضی نمی‌تواند به علم خود متوسل شود. بدیهی است از آنجایی که موارد تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت بایستی در قانون ذکر شده باشد و باتوجه به حساسیت این مسأله قاضی بایستی در تعیین مصادیق اماره مجرمیت به تقریر و تحدید قانون‌گذار اکتفا نماید. بنابراین به‌نظر می‌رسد حتی در صورت وجود اماره مجرمیت چنانچه قاضی با علم مورد قبول و متعارف خود یقین به بی‌گناهی متهم داشته باشد، بایستی براساس علم خویش رأی دهد، حتی اگر متهم قادر به اثبات بی‌گناهی خویش نباشد.

۲- الزامات اصل برائت در جرایم انتظامی و امنیتی

براساس قاعده «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» و براساس نتایجی که مشمول اصل برائت می‌باشد، روشن است که بار اثبات ادعا برعهده مدعی است و این مدعی است که باید بدون هیچ‌گونه تردید معقولی مجرمیت متهم را با دلایل اثباتی خود ثابت نماید و متهم از آوردن هرگونه دلیلی بر بی‌گناهی خودش معاف است و حتی او به‌طور مطلق می‌تواند سکوت نماید. در عین حال، ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ صدور قرار بازداشت موقت را در جرایم زیر که دلایل قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت، کند، جایز شمرده است: «... پ- جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آن‌ها درجه پنج و بالاتر است.» با این حال بازداشت موقت در جرایم انتظامی و امنیتی با ملاحظات و ضرورت‌هایی همراه است. ضرورت‌های اصل برائت در جرایم امنیتی عبارتند از:

۲-۱- مدت بازداشت متهم

براساس ماده ۴۶ ق.آ.د.ک ضابطین در صورت نقص تحقیقات، مکلفند به دستور مقام قضایی تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم به عمل آورند، لیکن نمی‌توانند متهم را در بازداشت نگه دارند و چنانچه در جرایم مشهود، بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ شود و حداکثر تا مدت ۲۴ ساعت می‌توان متهم را تحت نظر نگه داشت. از شدیدترین

موجب تهمت او می‌دانند. حقوقدانان معتقدند: «قاضی فقط می‌تواند برای ارزیابی دلایل و استنتاج از آنچه به دادگاه ارائه شده، از دانش خود استفاده کند، اما نمی‌تواند برای اثبات دعوی یا انکار آن به علم خود استناد کند» (موزن‌زادگان، ۱۳۷۹: ۲۱۳). در حقوق موضوعه ایران علم قاضی در امور کیفری هم به‌عنوان پشتوانه و اعتبار سایر ادله و هم به‌عنوان یکی از ادله اثبات دعوی کیفری پذیرفته شده است. شکی نیست که اگر سخن از مشروعیت یا عدم مشروعیت علم قاضی می‌شود، «منظور علم وی نسبت به ادله اثبات احکام نیست، زیرا این علم لازمه قضاوت است و چنین علمی برای وی مفروض است و بر وی تکلیف است که نسبت به آن عالم باشد. بحث ما در این مورد، ناظر به علمی است که نسبت به ادله اثباتی مربوط به تحقق موضوعات متنازع‌فیه در عالم خارج مطرح می‌شود، زیرا قاضی باید بر اثبات امور موضوعی در عالم خارج به یقین رسیده باشد، این نوع علم نیز بر دو نوع است: ۱- علمی که قاضی از خارج پرونده به دست می‌آورد، مثل این‌که شخصاً شاهد حادثه‌ای بوده یا در اثر معاشرت خود با افراد جامعه متوجه واقعه‌ای شده باشد؛ ۲- علمی که در اثر مطالعه پرونده و اوضاع و احوال و قرائن و امارات موجود در پرونده موجود برای وی حاصل می‌شود. معمولاً مورد اختلاف ناظر به علم حاصل از عناصر خارج از پرونده است. نکته مهم دیگر این‌که منظور از علم قاضی، علمی است که طریقه متعارف برای حصول داشته باشد، یعنی از طریقی به‌دست آمده باشد که مردم نوعاً از آن طریق تحصیل علم می‌کنند و به آن ترتیب اثر می‌دهند» (آشوری، ۱۳۹۵: ۱۱۷).

براساس آنچه گفته شد، اصل بر برائت است، ولی در صورتی که مصالح عمومی اقتضا کند و اماره مجرمیت بر اصل برائت مقدم شود؛ اولاً بایستی تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت از مجرای قانونی خود عبور کرده باشد؛ ثانیاً محدود به موارد استثنایی شود. در مورد رابطه بحث علم قاضی با امارات مجرمیت نیز باید گفت درست است که علم قاضی به‌عنوان یکی از ادله اثبات دعوی در امور کیفری پذیرفته شده است، اما کاربرد آن در رابطه با اثبات جرم در صورت وجود امارات مجرمیت باید در چهارچوب شرایط موردی آن موضوع در

حبس می‌باشد، مدت‌زمان قراربازداشت موقت، حداقل مجازات قانونی آن جرم است؛ ۵- در جرایمی که حداکثر مجازات قانونی آن بیش از یک‌سال حبس است، مدت‌زمان قرار بازداشت موقت حداکثر یک‌سال خواهد بود.»

«چنانچه مدت‌زمان بازداشت موقت از میزان مقرر در قانون تجاوز نماید، بازداشت غیرقانونی محسوب شده و متخلف به مجازات مقرر در قانون محکوم خواهد شد. قرار بازداشت موقت پس از صدور توسط بازپرس می‌بایست فوری به نظر دادستان برسد. دادستان نیز یا با این قرار موافق است یا مخالف. دادستان مکلف است مخالفت و موافقت خود را ظرف مهلت بیست‌و‌چهارساعت به‌طور کتبی به بازپرس اعلام نماید. در صورت مخالفت دادستان با این قرار، مطابق ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری پرونده جهت حل اختلاف به دادگاه ارسال گردد. مرجع حل اختلاف دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل اتهام را دارد، رأی دادگاه در این خصوص قطعی است» (خالقی، ۱۳۹۳: ۹۷).

اگر نظر دادگاه به بازداشت متهم باشد یا حتی در صورتی که بازپرس و دادستان هر دو موافق بازداشت باشند، این قرار به متهم ابلاغ شده و او باتوجه به بند «ب» ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری حق اعتراض را دارد مهلت اعتراض برای اشخاصی که در ایران مقیم هستند، دهر روز و برای افراد خارج از کشور یک‌ماه از تاریخ ابلاغ قرار بازداشت موقت است. مرجع رسیدگی به اعتراض، دادگاه است. چنانچه قرار بازداشت موقت توسط دادگاه صادر گردد، مرجع رسیدگی به اعتراض متهم به قراربازداشت موقت دادگاه تجدیدنظر استان است. متهم علاوه بر این که حق دارد به صدور قرار بازداشت موقت، اعتراض نماید و همچنین حق دارد به ادامه بازداشت موقت هم اعتراض نماید. منظور از این عبارت این است که اگر متهم موجبات صدور قرار بازداشت را مرتفع ببیند، می‌تواند از مرجع صادرکننده قرار تقاضا نماید یا فک قرار بازداشت موقت یا با تبدیل آن موافقت نماید.

۲-۲- لزوم ایراد اتهام

مسئله تفهیم اتهام که باید مقدم بر آغاز بازپرسی از متهم و پس از احراز هویت وی صورت پذیرد نیز به نوبه خود و در

قرارهای تأمین کیفری، قرار بازداشت موقت می‌باشد که در فرایند تحقیقات مقدماتی در دادسرا توسط بازپرس صادر می‌گردد. دلیل صدور این قرار جلوگیری از فرار یا مخفی‌شدن متهم در تحقیقات مقدماتی و یا حین رسیدگی است. مدت زمان این قرار باتوجه به نوع جرم ارتكابی متفاوت می‌باشد، ولی به‌طور کلی حداکثر مدت زمان قرار بازداشت موقت دو سال و در جرایم مستوجب سلب حیات است.

باور به اصل آزادبودن فرد موجب تمتع از حق آزادی و امنیت شخصی می‌گردد تا آزادی و امنیت شخصی خودسرانه سلب نشود، پذیرش اصل برائت نیز موجب می‌گردد تا متهم به ارتكاب جرم همچنان بی‌گناه فرض شود و همانند سایر افراد بی‌گناه از دیگر حقوق مدنی و سیاسی به ویژه حق آزادی و امنیت شخصی بهره‌مند گردد. از آنجا که اصل برائت، فرد را تا پیش از صدور حکم قطعی قضایی بی‌گناه می‌داند، آزادی وی نیز مورد پشتیبانی قانون است و وی باید از تضمینات الزم برای حفظ آزادی شخصی بهره‌مند گردد.

بازداشت موقت متهم در نظام‌های کیفری کشورهای مختلف در عمل پذیرفته شده و اجرا می‌گردد، ولی باتوجه به این که آزادی متهم اصل و بازداشت او استثناء بر اصل و فرع بر آن تلقی شده است، کوشش بر این بوده است که دامنه آن هرچه محدودتر گردد و جز در موارد کاملاً ضروری و منطقی بدان مبادرت نشود. بازداشت باید فقط در مواردی که قانون تعیین کرده، با رعایت ترتیبات قانونی و به دستور مقام صالحیت‌دار باشد تا توقیف قانونی تلقی شود، وگرنه توقیف غیرقانونی خواهد بود.

بر همین اساس است که مطابق ماده ۲۴۲ ماده آیین دادرسی کیفری حداکثر و حداقل مدت زمان قرار بازداشت موقت به شرح ذیل می‌باشد: «۱- مدت‌زمان قرار بازداشت موقت متهم از حداقل مجازات قانونی برای آن جرم نباید تجاوز نماید؛ ۲- در جرایمی که مجازات آن سلب حیات می‌باشد، مدت‌زمان بازداشت موقت حداکثر دو سال می‌باشد و در جرایم دیگر حداکثر مدت‌زمان یک‌سال است؛ ۳- در جرایمی که موجب سلب حیات است، مانند قتل عمد، حداکثر مدت‌زمان قرار بازداشت موقت دو سال است؛ ۴- در جرایمی که حداقل مجازات قانونی آن کمتر از یک‌سال

لاینفک حق دفاع متهم تلقی می‌گردد، لذا در مواردی که متهم به دعوت مراجع قضایی در نزد مقامات مذکور حضور یابد نیز باید به وضوح و با ذکر دلایل از اتهام یا اتهامات موجود علیه خود مطلع گردد و از این حیث نباید تفاوتی بین متهم بازداشتی و سایرین وجود داشته باشد. ضرورت دارد که در اصلاحات بعدی قانون اساسی این دوگانگی مرتفع گردد.

۲-۳- لزوم تحقیق فوری از متهم

«یکی از اصول آیین دادرسی کیفری، اصل تسریع در تحقیقات مقدماتی است» (زراعت، ۱۳۸۸: ۸۹). مطابق ماده ۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری: «تحقیقات مقدماتی باید به سرعت و به نحو مستمر انجام شود و ایام تعطیل مانع انجام آن نیست». «این ماده انجام تحقیقات مقدماتی در ایام تعطیل را نیز تجویز کرده است» (زراعت و مهاجر، ۱۳۸۶: ۴۳). «بنابراین چنانچه تعطیل رسمی با تأخیر در روند تحقیقات، به انجام صحیح آن لطمه بزند، باید در روز تعطیل هم آن را ادامه داد» (خالقی، ۱۳۹۳: ۹۵). «در این باره بازپرس مکلف است که اقدامات مقتضی جهت جمع‌آوری ادله و اسباب جرم را بدون فوت وقت، برای پیشگیری از امحای آثار و دلایل جرم و فرار متهم به عمل آورد» (حجتی، ۱۳۹۰: ۵۴). «به لحاظ لزوم انجام فوری تحقیقات مقدماتی، بهتر است مقامات قضایی هنگام ارجاع امر به ضابطین دادگستری یا اعطای نمایندگی به آنان یا صدور دستور برای انجام تحقیقات مقدماتی، هربار این الزام و نکته مهم قانونی را به آنان یادآوری نمایند» (آخوندی اصل، ۱۳۸۶: ۶۷).

ماده ۱۸۹ ق.آ.د.ک در رابطه با حق تسریع در تحقیقات که از آثار اصل برائت می‌باشد، بیان نموده که قاضی مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم تحقیقات را شروع و در صورت عدم امکان حداکثر ظرف ۲۴ ساعت مبادرت به تحقیق نماید. در غیر این صورت بازداشت غیرقانونی تلقی و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم خواهد شد. این ماده در واقع در بازداشت افراد ایجاد محدودیت کرده است. مطابق ماده ۱۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ «بازپرس مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم، تحقیقات را شروع کند و در صورت عدم امکان، حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت از زمان تحت نظر قرارگرفتن او

ارتباط با حق دفاع متهم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در ماده ۱۹۳ ق.آ.د.ک نیز برخی دیگر از آثار اصل برائت به رسمیت شناخته شده است. براساس این ماده، قاضی ابتدا هویت و مشخصات متهم و همچنین آدرس او را دقیقاً سؤال می‌نماید، به نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق به آسانی مقدور باشد و متذکر می‌شود که مواظب اظهارات خود باشد و سپس موضوع اتهام و دلایل آن را به صورت صریح به متهم تفهیم می‌کند. آنگاه شروع به تحقیق می‌نماید. سؤالات بایستی روشن و مفید باشد. سؤالات تلقینی، اغفال، اکراه یا اجبار متهم ممنوع است. چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید، امتناع او در صورت مجلس قید می‌شود. همچنین یکی از آثار اصل برائت در مرحله کشف و تعقیب که در قانون آیین دادرسی مورد اشاره واقع شده است، حق اعتراض متهم به قرار بازداشت موقت است. در واقع بازداشت موقت ایجاد محدودیت در آزادی فرد و مغایر با فرض بی‌گناهی متهم است. «تفهیم اتهام، از حقوق متهم و از وظایف بازپرس یا دادیار، هنگام شروع تحقیقات، در خصوص جرایم است. این تفهیم، شرایط و زمان اعمال مخصوص به خود را دارد. تفهیم اتهام، باید به زبان و به گونه‌ای باشد که برای متهم، قابل درک و فهم بوده و قبول داشتن اتهام یا نداشتن آن توسط متهم، تأثیری در عدم انجام این امر از جانب مسؤول تحقیق جرم نخواهد داشت» (آخوندی اصل، ۱۳۸۶: ۸۱). براساس ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ «بازپرس، پیش از شروع به تحقیق باتوجه به حقوق متهم به وی اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد، سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند. به عبارت دیگر تحقیق از متهم منوط به تفهیم اتهام است تا بدین وسیله از وضعیت مبهم خود مطلع باشد و بداند که در مقابل چه اتهامی و با چه دلایلی باید دفاع نماید.» همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر ضرورت تفهیم «فروی» و «کتبی» اتهام به متهم تأکید ورزیده و به کارگیری قید «کتباً» حکایت از آن دارد که قانون‌گذار توجه خاصی از متهم داشته است، با این همه، اصل ۳۲ قانون اساسی این تضمینات را منحصر به متهمین بازداشت شده نموده است: «... در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود» و حال آنکه تفهیم اتهام از آثار اصل برائت و جزء

توسط ضابطان دادگستری، مبادرت به تحقیق نماید، لذا تکلیف به تحقیق فوری پس از سلب آزادی بر عهده مقام قضایی است.»

«تذکر چند نکته پیرامون این تکلیف ضروری است: اول این که هرچند در ماده فوق، امکان تأخیر در تحقیق با عبارت (در صورت عدم امکان، حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت مبادرت به تحقیق نماید) پیش‌بینی شده است، لیکن نباید این موضوع را جزء اختیارات مطلق قاضی تصور کرد؛ دوم این که با انقضای موعده بیست و چهار ساعته، حتی در اوقات و ایام تعطیل، باید متهم را نزد قاضی حاضر نموده و تحقیق صورت پذیرد؛ سوم این که موعده بیست و چهار ساعت تحت هیچ شرایطی قابلیت تمدید را دارا نیست، حتی اگر به لحاظ عدم صلاحیت مقام قضایی اولیه، پرونده به مرجع دیگری ارسال گردد. مرجع ثانوی در این شرایط دیگر فرصتی باید تحقیقات را نداشته و فوراً از متهم شروع نماید» (خالقی، ۱۳۹۳: ۵۵).

اطاله تحقیقات از متهم مغایر با اصل برائت است. زمانی که فردی به‌عنوان متهم در جرایم مشهود دستگیر می‌شود ممکن است نیاز به تحت نظر گرفتن او باشد، بر همین اساس قانون‌گذار در ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی ترتیب تحت نظر گرفتن متهم را بیان کرده است: «ضابطان دادگستری باید نتیجه اقدامات خود را فوری به اطلاع دادستان برسانند و اگر دادستان اقدامات انجام‌شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل اطلاعات را بخواهد.» بنابراین ضابطان مکلفند که طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگه دارند، زیرا با اصل برائت مغایرت دارد و در تعارض است.

۲-۴- لزوم صدور قرارهای تأمین کیفری

یکی از آثار اصل برائت رعایت حق آزادی متهمان است و بر اساس این اصل و به‌موجب اسناد حقوق بشری و قوانین داخلی کشورها، حق آزادی متهم در طول روند رسیدگی به اتهام او باید جز در موارد استثنایی مصون از تعرض باشد و مقام قضایی باید حتی‌الامکان از جایگزین‌های بازداشت موقت استفاده کند و از محبوس کردن متهم امتناع ورزد. صدور قرارهای تأمین کیفری در همین راستا انجام می‌شود. قرارهای تأمین کیفری، ابزارهایی هستند در جهت تأمین

هدف‌هایی همچون محدود نکردن آزادی‌های فرد متهم که هنوز جرم وی در دادگاه به اثبات نرسیده است، زیرا متهم با مجرم فرق دارد و مطابق اصل برائت نباید مانند مجرم با مضمون رفتار کرد. از سوی دیگر، وضعیت شخص متهم با شهروندان معمول اجتماع متفاوت است، چراکه او مظنون به ارتکاب جرم است و آزاد گذاشتن او ممکن است منجر به فرار وی یا پنهان کردن آثار و دلایل جرم شود. برای همین باید احتیاط‌هایی را در مورد متهم انجام داد، اما این احتیاط‌ها باید در چهارچوب قانون و با جرم و خصوصیت‌های مجرم متناسب باشد.

با عنایت به ماده ۲۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ که مقرر می‌دارد: «قرار تأمین باید فوری به متهم ابلاغ و تصویر آن به وی تحویل شود. در صورتی که قرار تأمین منتهی به بازداشت گردد، مفاد قرار در برگه اعزام درج می‌شود.»

«احراز سه نکته از مجموع قواعد و مقررات حاکم، ضرورت اطلاع‌رسانی درخصوص دلایل ابلاغ قرارها و تصمیمات مربوط به سلب آزادی را دربر دارد (اول قرار بازداشت موقت)، الزامی نمی‌باشد؛ دوم این که ابلاغ به‌صورت مکتوب و با تسلیم نسخه‌ای از قرار به متهم انجام شود؛ سوم این که شرط اجرای قرار سلب آزادی، ابلاغ آن به متهم می‌باشد تا بدین‌وسیله از سوی جریان دادرسی به ضرر او جلوگیری به عمل آید» (آشوری، ۱۳۹۵: ۹۱).

ضابطان موظف به رعایت موارد زیر هستند:

۱- تفتیش و بازرسی و تحقیق از اشخاص و محل وقوع جرم با رعایت مواد ۴۲، ۴۳ و ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ توسط ضابطین دادگستری به‌عمل می‌آید.

۲- انتقال فوری گزارش پرونده مجرمانه و یا مشخصات سجلی فرد تحت نظر قرار گرفته، می‌بایست حداکثر ظرف مدت یک‌ساعت به دادستان یا قاضی کشیک برابر مواد ۳۷، ۴۷ و ۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ صورت پذیرد.

۳- اخطار قانونی؛ معمولاً تحقق دستگیری پیامدی به‌دنبال دارد که این پیامد گفتگویی است بین افسر و مظنون که در

طول آن افسر پلیس، سؤالاتی را می‌پرسد تا مشخص کند که آیا دستگیری درحقیقت درست است یا نه. در چنین پرونده‌هایی افسر باید بلافاصله به مظنون اخطار کند که نسبت به وی مبنای برای ظن به ارتکاب جرم دارد» (خالقی، ۱۳۹۳: ۶۷).

۲-۵- حق بر جبران خسارت بازداشت غیرقانونی

یکی از مبانی مهم حق بر جبران خسارت بازداشت غیرقانونی اصل برائت است. درواقع یکی از ضمانت‌های اجرای اصل برائت، جبران خسارت بازداشت غیرقانونی است.

در حقوق ایران قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲، جبران خسارت ناشی از بازداشت در قوانین دادرسی کیفری پیش‌بینی نشده بود، فقط در اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ حکم جبران خسارت مادی یا معنوی ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی مقرر شده بود. به هر حال براساس قواعد «لاضرر، ضمان وحق جبران خسارت متهم» و «اصل انصاف» و تکلیف اصل ۱۷۱ قانون اساسی، متهم بی‌گناه که بازداشت شده است، باید حق مراجعه به قاضی یا دولت را درخصوص جبران خسارت خود داشته باشد. براساس ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲: «اشخاص که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر می‌شود، می‌توانند با رعایت ماده ۱۴ این قانون، خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند» که این موضوع از نوآوری‌ها و دستاوردهای مثبت و مهم قانون جدید درجهت حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی متهم محسوب می‌شود.

«اگرچه پذیرفتنی است که انضباط گاهی مستلزم حصار است و دستگیری و توقیف، اقدامی مؤثر، جهت جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم و نیز پیشگیری از تبانی متهم با شهود قضیه یا شرکا و معاونین جرم، و محو آثار و دلایل جرم، به‌شمار می‌رود و شاید مهم‌ترین وسیله‌ای باشد که برای جلوگیری از فرار یا اخفای متهم در اختیار قضات است، اما این اقدام، درواقع مغایر با اصل برائت است و موجب از دست‌دادن حرفه و شغل و ازهم‌گسیختگی خانواده متهم در بسیاری از موارد

می‌شود. بنابراین اصل تساوی شهروندان در مقابل تکالیف عمومی ایجاب می‌کند، خسارتی که بر اثر تصمیم قدرت عمومی استثنائاً بر یکی از افراد وارد گردیده، جبران شود» (جزایری، ۱۳۹۴: ۴۱). به دیگر سخن، چون جبران خسارت مذکور، سبب اعاده تساوی به‌هم‌خورده شهروندان در مقابل تکالیف عمومی می‌گردد، باید متعهد شوند که صرف نظر از تدابیر کیفری و انتظامی که دولت‌ها اصولاً در مقررات مربوطه پیش‌بینی می‌نمایند، حق افراد به جبران خسارت وارده در این زمینه را به رسمیت بشناسند. توضیح این‌که اگر پلیس یا قضات در تشخیص موارد و مدت سلب آزادی تخلف عمدی نمایند، غالباً عمل مورد نظر عنوان مجرمانه به خود می‌گیرد و یا تخلف انتظامی محسوب می‌شود، لیکن در هر دو صورت حق فرد به جبران خسارت باقی است و برابر ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، با رعایت ماده ۱۴ این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند (یوسفلو و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۹). این اقدام قانون‌گذار را می‌توان گامی درجهت تحقق دادرسی منصفانه و احترام به اصل برائت تفسیر نمود.

نتیجه‌گیری

صدور قرار تأمین کیفری تلاشی است برای رعایت اصل برائت، در عین حال که فرد مظنون است. مطابق اصل برائت و اصل منع دستگیری و بازداشت افراد، راهکاری مانند قرارهای تأمین مورد استفاده قرار می‌گیرد. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در باب قرارهای تأمین کیفری به‌عنوان مهم‌ترین قرارهای اعدادی، تمهیدات، راهکارها و تدابیر مناسبی را به‌خصوص در مقایسه با قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ مد نظر قرار داده است که درجهت تأمین حقوق و آزادی‌های فردی متهم و تضمین حقوق بزه‌دیده پیش‌بینی گردیده است. این راهکارها و تدابیر نوین در بسط و توسعه حقوق دفاعی متهم بسیار مؤثر می‌باشد. مع‌الوصف باوجود تصویب قوانین اخیر، ازجمله قانون مجازات اسلام، قانون حفظ حقوق شهروندی که در راستای حفظ حقوق متهم

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۱۸). *کفایه الأصول*. جلد اول، چاپ نهم، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
- آخوندی اصل، محمود (۱۳۸۶). *آیین دادرسی کیفری مباحث کاربردی حقوق*. جلد پنجم، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- آشوری، محمد (۱۳۹۵). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۹). *فرائد الأصول*. جلد دوم، چاپ اول، قم: مجمع الفکر الإسلامی.
- جزایری، سیدعباس (۱۳۹۴). *امنیت قضایی در حقوق کیفری ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر*. چاپ سوم، تهران: انتشارات سامان دانش.
- حجتی، سیدمهدی (۱۳۹۰). *قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در نظم حقوق کنونی*. چاپ اول، تهران: کتاب آوا.

و آزادی‌های فردی و کرامت انسانی می‌باشد، هرچند که اصل بر آزادی و برائت افراد می‌باشد، لیکن جهت حفظ نظم عمومی و حقوق افراد جامعه در این خصوص تخصیص در نظر گرفته شده است که با شرایط خاص و محدود به قوانین خاص بازداشت موقت می‌تواند در نظر گرفته شود.

در نتیجه توسل به روش‌های استثنایی بار ارائه دلیل جابه‌جا شده و با تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت اثبات برائت به عهده متهم گذاشته می‌شود، از جمله این موارد می‌توان به جرایم علیه امنیت به سبب اهمیت امنیت داخلی و خارجی کشورها اشاره کرد که اماره مجرمیت بر اصل برائت تقدم دارد. در واقع اگرچه حاکمیت اصل برائت در حقوق کیفری به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده است، ولی این اصل نیز همچون اصول و قواعد دیگر استثنای پذیر است. در موارد خاصی مصالح عمومی ایجاب می‌کند اماره مجرمیت بر اصل برائت مقدم گردد، در این صورت روند دادرسی تغییر کرده و به این طریق اصل برائت نسبت به متهم زایل می‌گردد و به‌رغم عدم وجود دلیل قاطع قاضی به روش‌های استثنایی دادرسی متوسل می‌شود. عدول از اصل برائت عمدتاً در مواردی مطرح می‌شود که: اولاً ارتکاب جرم موجب صدمه شدیدی به جامعه شده و با تهدیدی جدی علیه آن تلقی می‌شود؛ ثانیاً اثبات جرم از سوی دادستان و مقام تعقیب به سبب پیچیدگی‌های خاص جرم ارتكابی امکان‌پذیر نباشد. پرواضح است اگر نظام حقوقی در راستای اجرای عدالت قائل به اصل برائت به‌طور مطلق باشد، نمی‌تواند در بعضی از جرایم مثل پول‌شویی با جرایم جنگی کسی را متهم نماید. می‌توان گفت همان‌طور که اصل برائت به‌عنوان اصلی غیرقابل انکار در نظام‌های حقوقی مختلف پذیرفته شده است، ضرورت عدول از این اصل در مواردی احساس می‌شود. متأسفانه در نظام حقوقی ایران بستر مناسب و مشخصی برای گنجایش موارد محدود عدول از اصل برائت فراهم نشده و قانون‌گذار ما در راستای ایجاد تعامل منطقی اصل برائت به‌عنوان شاه‌بیت حقوق کیفری با اماره مجرمیت دچار تناقض‌گویی شده است. برای مثال در اصول مختلف قانون اساسی به‌ویژه اصل ۳۷ این قانون به‌طور مطلق اصل برائت را پذیرفته، درحالی‌که در برخی قوانین به اماره مجرمیت قدرت و وسعت بخشیده است.

- خالقی، علی (۱۳۹۳). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- زراعت، عباس (۱۳۸۸). شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات). جلد دوم، چاپ دوم: تهران: ققنوس.
- زراعت، عباس و مهاجری علی (۱۳۸۶). آیین دادرسی کیفری. جلد اول، چاپ سوم، تهران: فکرسازان.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۷). حقوق کیفری اختصاصی. چاپ بیستم، تهران: انتشارات مجد.
- شاملو، باقر (۱۳۸۲). اصل برائت در نظام‌های نوین دادرسی (مجموعه مقالات علوم جنایی). چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- شاملو، سعید (۱۳۸۸). مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت. چاپ چهارم، تهران: انتشارات رشد.
- طباطبایی، سیدعلی بن محمد (۱۴۱۸). ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل. جلد سیزدهم، چاپ اول، قم: مؤسسه آل ابیت علیهم السلام.
- عراقی، آقا ضیاء (۱۴۱۱). منهاج الأصول. تصحیح محمد ابراهیم بن علی کرباسی، جلد چهارم، بیروت: دار البلاغه.
- علیزاده، فاطمه السادات و قدیری، رشید (۱۳۹۶). «نقش اصول و موازین دادرسی عادلانه (در مرحله تحقیقات مقدماتی) در جرایم تروریستی با تأکید بر رویکرد آمریکا و انگلیس». همایش بین‌المللی ابعاد حقوقی جرم‌شناسی تروریسم، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- لطفی خاجکی، سیروس (۱۳۷۹). «اصل برائت و اعمال آن در حقوق موضوعه کیفری ایران». رساله کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۷). قواعد فقه بخش جزائی. چاپ نهم، تهران: انتشارات مرکز علوم اسلامی.
- محمدی، دکتر ابوالحسن (۱۳۸۲). مبانی استنباط حقوق اسلامی. چاپ سوم، تهران: انتشارات جنگل.
- مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۹۶). تحریرالمعالم فی اصول الفقه. قم: مطبوعه مهر.
- مشکینی، علی (۱۳۷۱). اصطلاحات الأصول. چاپ پنجم، قم: نشر الهادی.
- موذن زادگان، حسنعلی (۱۳۷۹). «علم قاضی در حقوق جزای ایران». پژوهش حقوق عمومی، ۲(۳): ۱۷۷-۲۱۳.
- میرزای نائینی، محمدحسین (۱۳۷۶). فوائد الاصول. با تقریرات محمد علی کاظمی خراسانی، جلد سوم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- میرزایی، محمد و رضایی، محسن (۱۳۹۹). سیاست جنایی معطوف به امنیت و آزادی. چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۳). آیین دادرسی کیفری سلب آزادی تن بازداشت و حبس در حقوق ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه.
- نجفی، محمدحسن (۱۹۸۱). جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام. جلد چهل و یکم، چاپ هفتم، قم: مکتبه احیا التراث العربی.
- واعظی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۷). جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. چاپ اول، تهران: انتشارات جاودانه-جنگل.
- یوسفلو، بهروز؛ لطفی، عبدالرضا؛ و الهامی، رضا (۱۴۰۰). «ارزیابی رویکرد عدالت کیفری ایران در مواجهه با شروع به جرایم امنیتی و عضویت در دسته‌های غیرقانونی ضد امنیتی». فصلنامه علمی مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۶(۴۶): ۵۱-۷۶.